

تحلیل و بررسی «عنوان» در سروده‌های فروغ فرخ‌زاد

علی محمدی^۱، طاهره قاسمی دورآبادی^۲

چکیده

اهمیت عنوان نزد فروغ فرخ‌زاد، از دیگر شاعران هم‌روزگار او، برجسته‌تر به نظر می‌رسد. او هنگامی که دفتر تولدی دیگر را نشر داد، بسیاری از خوانندگان شعرش، دریافتند که معنای دیوار و عصیان که پیش‌تر برای دو مجموعه شعری گزینش کرده بود، چه معنای عمیقی داشته است. بدین روی، در تاریخ عنوان‌گذاری و عنوان‌خوانی، عنوان‌های شعری فروغ، درخشش دیگری دارد. او با انتشار کتاب تولدی دیگر، نه تنها نظر خوانندگان شعرش را به عنوان شعری واپسین خویش (ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)، جلب کرد؛ بلکه به اهمیت عنوان‌های فرعی دیگری نیز که برای تک‌تک سروده‌های خود گزینش کرده بود، اصرار ورزید. بدین روی و سواس گزینش عنوان، در کار و بار فروغ، اهمیت بسیار دارد و این مقاله، به این امر مهم می‌پردازد. سعی نویسندگان مقاله، ضمن ایجاد فضایی برای توجه خوانندگان شعر فروغ به اهمیت عنوان‌های شعری او، پاسخ دادن به این پرسش نیز بوده است که به راستی پیوند میان عنوان‌های کتاب‌ها و سروده‌های او، با محتوای کتاب‌ها و سروده‌هایش، از چه کیفیتی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: عنوان، فروغ فرخ‌زاد، رابطه و پیوند، ساختار، تحلیل

^۱استاد دانشگاه بوعلی سینای همدان.

^۲دانش‌آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینای همدان

مقدمه

عنوان، «قطعه‌ای زبانی است که کوتاه‌تر از جمله باشد.» (علوش، ۱۹۸۵: ۱۵۵) و بنا بر معمول، بر آن چه که به خاطر آن وضع شده؛ خواه کتاب باشد و یا جزیی از کتاب، دلالت می‌کند و در فضای متن جایگاه مشخص و معینی دارد. هم‌چنین عنوان، دارای ارزش معنایی و مساعدی برای فهم معنای اثر است. فهم معنا آن‌جا برجسته می‌شود که پای خواننده در میان باشد؛ از آن‌جا که عنوان‌گذار نگران فهم مخاطب است، می‌توان چنین تصور کرد که یک رویه عنوان‌گذاری، رو به سوی مخاطب دارد؛ در نتیجه جز نقش‌های یاد شده می‌توان گفت: «عنوان ابزاری است که سرشت متن و نقش آن را در ابهام‌زدایی آشکار می‌کند.» (حلیفی، ۲۰۰۵: ۱۱) هم‌چنین از نظر لیوهوک (Leo H. Hoc)، زبان‌شناس معروف، عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی متشکل از واژه‌ها و جمله‌هاست که جهت متن را مشخص و به محتوای کلی داستان اشاره کرده، مایه جذب مخاطب می‌گردد (رحیم، ۲۰۱۰: ۴۱). رولان بارت (Roland Barthes) نیز عنوان را آن نظام معنایی‌ای می‌داند که

ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و ایدئولوژیک را با خود همراه دارد (قطوس، ۲۰۰۱: ۳۷)

درباره سابقه عنوان و عنوان‌گذاری در ادبیات فارسی، سخنان دقیق و مستندی وجود ندارد. در متن‌های شعری و نثری، از سده پنجم و ششم قمری، در صدر برخی از موضوعات فرعی در میان کتاب‌ها، عنوان‌هایی دیده می‌شود. به عنوان مثال، در صدر برخی از قصیده‌های خاقانی و انوری و البته در برخی از نسخه‌های موجود، عنوان‌گذاری به چشم می‌آید؛ اما از آن‌جا که در برخی از نسخه‌های دیگر، عنوان‌ها وجود ندارند؛ نمی‌توان به جرئت گفت که همه شاعران ایرانی یا نویسندگان، جز عنوان کتاب‌ها که از کهن باز مرسوم بوده، برای بخش‌های کوچک‌تر نوشته خود عنوان اختیار می‌کردند. در دوره مشروطه، وقتی ایرانیان از طریق ترجمه، با شعر غربی آشنا شدند، با سروده‌های عنوان‌دار روبه‌رو گشتند. از این پس به پیروی از سروده‌های غربی، خواه به زبان فرانسه یا ایتالیایی و انگلیسی، شاعران ایرانی نیز، شعرهایشان را عنوان‌گذاری کردند.

امروز در سنت نوشتار و حوزه ادبیات، عنوان جایگاهی بلند و قابل اهمیت یافته است. برخی از استادان زبان و ادبیات فارسی، عنوان شعر یا کتاب را برای فهم بیش‌تر شایسته دانسته تا آن‌جا پیش رفته‌اند که اهمیت عنوان را در تقابل با اهمیت کتاب به شمار آورده،

برای جای‌گزینی اثر، تنها حضور آن را بسنده تلقی کرده‌اند: «هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساحت‌های جمال‌شناسی یک شاعر، دیوان‌های او خوانده شود؛ می‌توان از روی نام کتاب‌ها، ذهنیت او را تحلیل کرد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۲۲)

پیشینه تحقیق

چنان که به اشاره از آن گذشتیم، تحقیق درباره ماهیت و کاربرد عنوان در یک اثر ادبی، ابتدا مورد توجه غربی‌ها قرار گرفت و آن‌ها اولین کسانی بودند که به این موضوع پرداختند. ژرار ژنت (*Gerard Genets*) در کتاب زمینه‌ها (۱۹۸۷)، پژوهش کاملی درباره آستان‌های متن یا درگاه‌های ورود به متن انجام داده که در شمار اصلی‌ترین و کامل‌ترین منابع ارجاعی پژوهشگران در عنوان‌شناسی بوده است. در جهان عرب نیز کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره عنوان نوشته شده است. از جمله کتابی است با عنوان «العنوان فی الشعر العربی النشأ و التطور» (۱۹۹۸) نویسنده (محمد عویس)، تاریخچه عنوان را از آغاز پیدایش تا عصر حاضر بررسی و سپس درباره عنوان چند قصیده سخن گفته است. کتاب دیگری با نام «الشعر العربی الحدیث درسه فی المنجز النسی» (همان سال) وجود دارد از نویسنده‌ای به نام رشید یحیوی که در این کتاب، نقش جایگاه عنوان را در متن برجسته کرده و به رابطه میان عنوان و متن پرداخته، چند عنوان شعر از شاعران برجسته عرب را مورد بررسی قرار داده است. کتاب «لسانیات النص نحو منهج لتحلیل الخطاب الشعری»، اثر دیگری است که در سده ۲۰۰۹ توسط احمد مداس نوشته شده، بخشی از گفتار کتاب، به موضوع عنوان اختصاص یافته است.

در حوزه زبان و ادبیات فارسی، در این زمینه، پژوهش مستقلی در قالب کتاب و پایان‌نامه صورت نگرفته است. پایان‌نامه‌ای در دانشگاه تربیت مدرس، با نام «بررسی دلالت عنوان در شش شاعر فارسی و عربی معاصر»؛ البته وجود دارد که در آن از منظر عنوان، میان سه شاعر ایرانی (نیما، شاملو و شفیع) با سه شاعر عرب‌زبان (سیاب، مقال و محمود درویش)، مقایسه‌ای صورت گرفته که بیش‌تر جنبه تطبیقی دارد. هم‌چنین شفیع کدکنی در کتاب زمینه اجتماعی شعر فارسی، مقاله‌ای دارد که اشعار معاصر عرب را با همین رویکرد عنوان‌ها بررسی کرده است. مقاله‌ای با عنوان «عنوان راز نهفته در هنر»، نوشته مصطفی گرجی نیز که در مجله جستارهای ادبی دانشگاه فردوسی مشهد، به چاپ

رسیده، به تحلیل عنوان‌های اشعار قیصر امین پور پرداخته است. مهدی دهرامی نیز با عنوان «بررسی چگونگی نام‌گذاری عنوان شعر در ادبیات سنتی و معاصر و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن»، در مجله شعر پژوهی (بوستان ادب سابق) دانشگاه شیراز، مقاله‌ای دارد که بیش‌تر به گفتارهای کلی پرداخته است.

چارچوب نظری تحقیق

۱ زندگی و شعر فروغ فرخ‌زاد

زندگی و شعر فروغ فرخ‌زاد (۱۳۱۳ - ۱۳۴۵) در دو دوره متفاوت خلاصه می‌شود. او در سه دفتر آغازینش؛ یعنی «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» دارای گرایش‌های تند رمانتیکی است. درون‌مایه اصلی سروده‌های او در این سه دفتر، عشق است که بیش‌تر هنجارها و تابوهای جامعه سنتی مردسالار را به چالش می‌کشد. او در این سه دفتر، بیش‌تر شاعری است غنائی و همه چیز را در هاله‌ای از عواطف و احساسات مرور می‌کند؛ اما در «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» یک‌باره، پوست می‌اندازد و با گذر از شور رمانتیک و بهره‌گیری از تجربه شاعران بزرگ، چهره یک شاعر با معیارهای جهانی و انسانی به خود می‌گیرد.

۲ بررسی زندگی فروغ در نام کتاب‌هایش

گاهی نام‌هایی که شاعران یا نویسندگان برای کتاب‌هایشان انتخاب می‌کنند؛ بسیار معنادار است. از جمله این شاعران، می‌توان نصرت رحمانی را نام برد که خود سیر زندگی‌اش را خلاصه‌وار در عنوان کتاب‌هایش گنجانده است. او در مقدمه اشعارش نوشته: «بر پیشانی تابوت من نگاه کن! نوشته‌اند: نصرت [ترمه] را آفرید از [کویر]، [کوچ] کرد و [میعاد در لجن] نهاد...» (۱۳۱۵: ۱۵۱) «ترمه»، «کویر»، «کوچ»، «میعاد در لجن»؛ عنوان مجموعه شعرهای اوست. بدین ترتیب، خلاصه و فشرده، زندگی خودش را در عنوان کتاب‌هایش بازگو کرده است.

فروغ از جمله شاعرانی است که در شعرش زندگی می‌کند و از گردنه‌ها و پستی و بلندی‌های زندگی می‌گذرد و به همین دلیل می‌توان تجربه‌های ویژه او را، در روند تکاملی شعر و شخصیتش مطالعه کرد. شعر فروغ فرخ‌زاد، روایت زندگی درونی و بیرونی اوست. «اسیر»، «دیوار»، «عصیان»، «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، در

حقیقت؛ رمان‌های بلند زندگی او از کودکی، نوجوانی تا هنگام مرگ است. مهدی اخوان ثالث بر این باور بوده که فروغ در شعرش زندگی می‌کرد و در زندگی شعر می‌سرود. زندگی هنری‌اش از زندگی عادی جدا نبود. «(۱۳۴۵: ۲۴) هم‌چنین «شعر فروغ را می‌توان کارنامه‌ی او دانست.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۵۷) فروغ، در مجموعه «اسیر» مانند اسیری دربند است. اسیر اجتماع و اسیر زندگی مشترک و در یک کلام اسیر فشارهای خردکننده‌ی نیروی شاعری که بر پرواز دارد و بویۀ تحول؛ اما این نیرو، در چنگال سنت‌ها گرفتار آمده است. در «دیوار»، باز او محصور در چارچوب سنت‌ها و جامعه و عقاید کهنه است. در شعری که او در همین کتاب، به نام «دیوار» دارد، سه بار و در هر بند، جمله «گرد من دیوار می‌سازد» را تکرار می‌کند که محصور بودنش را به خواننده ابلاغ کند. به عقیده‌ی م. آزاد، فروغ «می‌خواهد تمام محدودیت‌های سنتی را درهم شکند. چرا که خود را در دنیایی از خود بیگانه می‌یابد که دور و برش را دیواری حصار کرده، حال آن که برخوردها، امکان هرگونه سنت‌شکنی را از بین برده است.» (حسن بیگی، ۱۳۸۱: ۱۱۳) در «عصیان»، او فریاد می‌کشد و در پی تغییر و تحول است. در این کتاب، «سرکش و عصیان‌گر است و بر سنت‌ها می‌شورد.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۵۹) عصیان او علیه جامعه است، علیه سنت‌ها و تبعیض‌هایی که علیه او و زنان دیگر روا داشته شده است. علاوه بر این، وی در این کتاب با روی‌کرد شک‌های خیامی، بر پاره‌ای از بنیادها و سنت‌ها ایراد گرفته، برگستوان مبارزه بر تن کرده است (دست‌غیب، ۱۳۴۵: ۸۲) زمانی که از این مرحله عبور می‌کند، به «تولد دیگر» می‌رسد. تولدی دیگر، تولد دوباره‌ی اوست. هم‌چنین، به خاطر استفاده از شعر نیمایی تولد شعر او نیز هست. در این کتاب هم خود او و اندیشه‌اش و هم ساختار شعرش از نو متولد می‌شوند. عنوان برخی اشعارش گواه تغییر رویکرد شاعر و ورود به یک جهان‌بینی تازه است. شاعر با این نام‌گذاری سعی دارد تا ذهن مخاطب را بر این تغییر متمرکز کند. از آن جمله است دفتر «تولد دیگر» که وی آغاز شاعری خود را از هنگام سرودن این مجموعه به بعد می‌داند و اعلام می‌کند مجموعه‌های پیشین خود را قبول ندارد (اسماعیلی و صدارت، ۱۳۷۶: ۷۲) با «تولد دیگر»، فروغ تغییر کرده، او دیگر «اسیر» نبود، از «دیوارها» گذشت و از نو متولد شد.

۳ تکرار در عنوان شعرهای فروغ

تکرار در شعر معاصر اهمیت بالایی دارد. «ابزاری است برای رساندن زیباتر و شاعرانه‌تر پیام. در شعر سنتی، هدف از تکرار تأکید و تحریض و هشدار بود؛ اما این تکنیک در شعر معاصر در خدمت زیبایی ساختار و تبیین عاطفی و احساسی روح شاعر نیز قرار گرفته است.» (فخری‌عمار، ۱۹۹۲: ۲۵۷) هر نوع تکراری دارای ارزش نیست و تکرار باید بلاغی باشد «تکرارهای هنری، تکرارهایی است که در ساختمان شعر، نقش خلاق دارند و با این که لازمه تکرار، ابتذال است و ابتذال نفی هنر، تأثیر گونه‌هایی از تکرار در ترکیب یک اثر هنری، گاه تا بدان پایه است که در مرکز خلاقیت هنری گوینده قرار می‌گیرد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۹۰) به عقیده بیش‌تر محققان، تکرار یکی از مختصات اصلی و مهم سازنده شعر فروغ فرخ‌زاد است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۲۸ و حقوقی، ۱۳۸۴: ۵۲) تکرار در سطوح گوناگون، گذشته از جنبه‌های دگرگون بلاغی و به ویژه تکیه و تأکید و جلب نظر مخاطب، از مختصات زبان شعر فروغ است که ناشی از توانایی بی‌نظیر او در شناخت ابعاد مختلف واژه است (حسن پور و دلاور، ۱۳۷۸: ۴۴) این ویژگی در تکرار عنوان نیز قابل مشاهده است.

۳.۱. هدف‌های تکرار عنوان‌ها

۳.۱.۱. تأکید و برجسته‌سازی

«گاهی شاعر، عنوان شعر را بارها تکرار می‌کند و این روشی برای تأکید و برجسته‌سازی عنوان تواند بود. خواه برجسته‌سازی در جهت مثبت باشد و خواه به منظور تحقیر و ابراز نفرت، در هر دو حال، تکرار بهترین وسیله مشخص کردن است.» (متحدین، ۱۳۵۴: ۵۰۷)

۳.۱.۲. موسیقایی بودن

زمانی که «عنوان» در متن تکرار می‌شود؛ حسن دیگری که تکرار دارد، ارزش موسیقایی آن است. همان‌گونه که موسیقایی بودن واژگان و ترکیب‌ها در متن موجب افزایش زیبایی و جلب نظر است؛ در عنوان هم می‌تواند چنین وضعی داشته باشد. تکرار می‌تواند علاوه بر افزایش غنای موسیقی و آهنگ کلام، در القای احساس و انتقال معنا و مفهوم خاص مورد نظر گوینده نیز تأثیرگذار باشد.

۳.۱.۳. القاء معانی و مفاهیم

تکرار اصرار هنرمندانه شاعر بر نکته و عبارت مهمی است که در مرکز توجه شاعر قرار دارد. «تکرار، نور را بر نقطه حساسی که شاعر تمام اهتمامش را بر آن مبدول داشته، منعکس می‌گرداند.» (ملائکه، بی تا: ۲۷۶)؛ هم‌چنین؛ «تکرار از قوی‌ترین عوامل تأثیر است و بهترین وسیله‌ای است که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند.» (علی پور، ۱۳۷۸: ۱۹) فروغ در بسیاری از موارد با تکرار عنوان‌های شعری، نکته‌های مهم و برجسته ذهنی‌اش را در ذهن خواننده نهادینه می‌کند؛ مانند شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» که در این شعر، سیزده بار واژه «کسی» را تکرار کرده و نشان داده که آن واژه، واژه کلیدی و مهم این شعر است: «من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید / من خواب یک ستاره قرمز دیده‌ام / و پلک چشمم می‌برد / و کفش‌هایم می‌جفت می‌شوند / ... / کسی که مثل هیچ‌کس نیست / مثل پدر نیست / مثل انسی نیست.» (فرخ‌زاد، ۱۳۷۷: ۱۷۹)

۳.۱.۴. بررسی آماری تکرار

در سروده‌های فروغ، اغلب عنوان‌ها در متن تکرار می‌شوند یا این که مفهوم آن‌ها در متن وجود دارند. در بیش‌تر سروده‌های فروغ ربط بین عنوان و متن، واضح و آشکار است؛ با این حال، گاهی پیوند بین عنوان با متن شعر، ظریف می‌شود و ذهن برای ربط این دو به کندوکاو می‌افتد. در بررسی‌ای که بر روی دفترهای شعری فروغ انجام داده شد، به‌طور کلی دو ویژگی دیده می‌شود: الف) تکرار عنوان از ویژگی‌های بارز شعر فروغ است، ب) این ویژگی در دو دفتر شعری او یعنی «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، بیش‌تر دیده می‌شود. این تکرارها طبق آمار در دفترهای فروغ به این صورت است:

۳.۱.۴.۱. در دفتر «اسیر»: از سی و سه شعر، شانزده عنوان شعری در متن تکرار شده و شانزده مورد نیز، مفهوم عنوان تکرار شده است. در یک مورد، عنوان در متن تکرار نشده و ربط بین عنوان و متن شعر دیرتر به ذهن می‌رسد؛ با این حال در هیچ موردی تضادی بین عنوان و متن نیست.

۳.۱.۴.۲. در دفتر «دیوار»: از بیست و چهار شعر این دفتر، یازده مورد، خود عنوان در متن تکرار شده است و در دوازده مورد دیگر مفهوم عنوان در متن وجود دارد. در شعری به نام «آرزو»، معادل معنایی عنوان را تکرار می‌کند: «کاش بر ساحل رودی

خמוש / عطر مرموز گیاهی بودم... کاش چون نای شبان می‌خواندم / به نوای دل دیوانه
تو». واژه «کاش» هشت بار در هر بند تکرار می‌شود که معادل واژه «آرزو» است.

۳. ۴. ۱. ۳. در دفتر «عصیان»: از دوازده شعر این دفتر، شش مورد، خود عنوان در متن تکرار شده است و در شش مورد دیگر مفهوم عنوان در متن وجود دارد.

۳. ۴. ۱. ۴. در دفتر «تولد دیگر»: از سی و یک شعر این دفتر، نوزده مورد، خود عنوان در متن تکرار شده و در هفت مورد، مفهوم عنوان در متن وجود دارد. در پنج مورد هم عنوان در متن وجود ندارد و ربط بین عنوان و متن، به دشواری دریافت می‌شود. همین باعث می‌شود که ذهن برای پیدا کردن ارتباط میان عنوان و متن، به تلاش واداشته شود؛ مانند: «فتح باغ» (فرخ‌زاد، ۱۳۷۹: ۳۱۳) «آن کلاغی که پرید / از فراز سر ما / و فرو رفت در اندیشه آشفته ابری ولگرد / و صدایش هم چون نیزه کوتاهی، پهنای افق را پیمود / خبر ما را با خود خواهد برد به شهر...»

۳. ۴. ۱. ۵. در دفتر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، همه عنوان‌های شعری در متن تکرار شده‌اند. درباره نام‌گذاری کتاب‌ها، شاعران اغلب نام یکی از شعرهای برجسته همان دفتر را، برای مجموعه شعر برمی‌گزینند؛ چنان که اخوان ثالث، به عنوان مثال، به بهانه «شعر زمستان» که بسیار پرآوازه گشته، نام کتاب را «زمستان» نهاده است. فروغ هم در همه دفترهای شعری‌اش، نام کتاب‌هایش را از یکی از سروده‌های همان مجموعه انتخاب کرده است؛ مانند «دیوار» که نام یکی از سروده‌هاست و خود این کار نوعی برجسته‌سازی نام شعری از میان دیگر شعرها به شمار می‌رود.

۳. ۲. تکرارهای مکرر عنوان‌ها در متن

از ویژگی‌های برجسته‌ای که در سروده‌های فروغ می‌توان به آن اشاره کرد؛ تکرار چندین باره عنوان در متن شعر است؛ برای نمونه، بسامد این تکرارها، در مجموعه «اسیر»: «دوست داشتن»، سه بار، «با کدام است»، هشت بار، «پاییز»، چهار بار، «راز من»، شش بار، «ای ستاره‌ها»، چهارده بار و «حلقه»، هشت بار آمده؛ هم‌چنین در مجموعه «دیوار»: «آرزو»، چهار بار، «موج»، سه بار، «دیوار»، سه بار و «تشنه»، چهار بار تکرار شده. در کتاب «تولد دیگر»: «آن روزها»، هجده بار، «روی خاک»، دو بار، «باد ما را خواهد برد»، دو بار، «معشوق من»، شش بار، «بر او ببخشایید»، شش بار و «جمعه»، هشت بار

تکرار گشته است. در کتاب «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، سه بار، «بعد از تو»، ده بار، «پنجره»، هشت بار، «دلَم برای باغچه می‌سوزد»، هفت بار و «باغچه» هشت بار تکرار شده است. در شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست»، واژه «کسی» سیزده بار تکرار شده و همین واژه، در «تنها صداست که می‌ماند» یازده بار و واژه «صدا» نیز نه بار تکرار شده است.

۴. ساختار زبانی تکرارها

۴.۱. اهمیت ساختاری عنوان‌ها

عنوان سه کتاب اول فروغ، یعنی «اسیر»، «دیوار»، «عصیان»، یک واژه‌ای هستند؛ اما در «تولدِ دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»؛ عنوان‌ها بلند و بلندتر می‌شوند. در عنوان‌های فرعی که شرح کامل آن‌ها خواهد آمد، نیز این چنین است:

۴.۱.۱. شاعر در «اسیر»، چهارده عنوان را به صورت یک واژه‌ای، نه عنوان را دو واژه‌ای، ده عنوان را سه واژه‌ای به کار گرفته و هیج عنوانی را به صورت جمله نیاورده است.

۴.۱.۲. در مجموعه «دیوار»، چهارده عنوان به صورت یک واژه‌ای، هفت عنوان دو واژه‌ای، سه عنوان سه واژه‌ای، و هم‌چنین عنوانی به صورت جمله ندارد.

۴.۱.۳. در مجموعه «عصیان»، نه عنوان یک واژه‌ای، یک عنوان دو واژه‌ای دو عنوان سه واژه‌ای و هیج عنوانی به صورت جمله نیامده است.

۴.۱.۴. در مجموعه «تولدِ دیگر»، نه عنوان یک واژه‌ای، دوازده تا دو واژه‌ای، سه تا سه واژه‌ای، دو تا چهار واژه‌ای، چهارتا پنج واژه‌ای و یک عنوان شش واژه‌ای هم دارد. برای اولین بار در این مجموعه، فروغ، عنوان‌های بلندی به صورت جمله آورده است. هم‌چنین در این مجموعه است که از بسامد عنوان‌های کوتاه و یک و دو واژه‌ای کم می‌شود و بسامد عنوان‌های بالاتر از سه واژه‌ای افزوده می‌شود.

۴.۱.۵. در مجموعه «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، یک عنوان یک واژه‌ای، دو عنوان سه واژه‌ای، دو عنوان پنج واژه‌ای یک عنوان شش واژه‌ای و یک عنوان هفت واژه‌ای دارد. نمودار عنوان‌ها از نظر بس‌آمد واژگانی:

فروغ در سه دفتر اول شعری، یعنی «اسیر»، «دیوار» و «عصیان»، از عنوان‌های کوتاه استفاده می‌کند. عنوان‌هایی که هیچ‌کدام از آن‌ها جمله نیستند. در دفترهای دیگر او یعنی «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم...»، عنوان‌ها بلند و بلندتر می‌شوند. این مطلب هم درباره‌ی عنوان کتاب‌ها و هم درباره‌ی عنوان‌های فرعی (سروده‌ها) صادق است که می‌توان چنین پنداشت که سیر تکاملی عنوان‌ها با سیر تکاملی گرایش‌های ذهنی او مطابق است. چنان که بر کسی پوشیده نیست، او در سه دفتر اول؛ بیش‌تر شاعری رمانتیک است؛ در حالی که در دو دفتر آخرش، گرایش‌های اجتماعی و سیاسی بیش‌تری دارد و از حجم شعرهای غنائی او کاسته می‌شود. به باور شفيعی کدکنی، در دوره‌ی رمانتیسم، عنوان‌ها کوتاه هستند و در مرحله‌ی بعد که دوره‌ی رمزگرایی سیاسی است، قدری درازتر می‌شوند. (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۱)

۲.۴. تکرار در کالبد واژه

فروغ از واژه‌های عنوان، گاهی واژه‌ای را که مورد نظرش است و روی آن تأکید دارد، تکرار می‌کند. در شعری که عنوانش: «تنها صداست که می‌ماند»، «صدا» نه بار تکرار شده است... صدا، صدا، تنها صدا، صدای خواهش شفاف آب به جاری شدن، صدا، صدا، صدا، تنها صداست که می‌ماند (۱۳۷۷: ۹۴) در شعر دیگری با نام «دل‌م برای باغچه می‌سوزد»، واژه «باغچه» پانزده بار تکرار شده است. (همان: ۶۹)

۳.۴. تکرار در کالبد جمله

فرخ‌زاد، به ویژه در دو دفتر آخرش یعنی «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به...» از عنوان‌هایی که جمله هستند؛ بیش‌تر استفاده می‌کند. عنوان‌هایی که جمله هستند؛ هم از نظر موسیقایی و هم از نظر القای معنا تأثیر بیش‌تری بر خواننده دارند و گاهی هم‌دلی و یگانگی بیش‌تری را میان شاعر و خواننده ایجاد می‌کنند. برای نمونه در شعر «آن روزها» از دفتر «تولد دیگر»، عبارت آن روزها، در سطرهای مختلف شعر، هجده بار تکرار شده، چنان که خواننده پس از آغاز شعر، می‌تواند حضور آن عبارت تکراری را حدس بزند: «آن روزها رفتند، آن روزهای خوب، آن روزهای سالم سرشار.» (۱۳۷۹: ۳۴۸ - ۳۴۹)

۵. جایگاه و موقعیت مکانی تکرارها

۱.۵. تکرار عنوان در آغاز هر پاره

از آن‌جا که فروغ به این تکرارها از منظر بلاغی می‌نگریسته و نقش زیبایی‌شناسانه آن‌ها در موقعیت‌های شعری مؤثر بوده، مکان تکرارها نیز اهمیت ویژه‌ای داشته است. بخشی از این تکرارها، در ابتدای هر مصراع (پاره)، آمده که به گفته شمیسا نوعی «چشم‌نوازی» در حیطه زیبایی‌شناسی شعر داشته است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۱) فرخ‌زاد از این نوع تکرار، بسیار استفاده کرده است. او از این طریق توانسته به میزان قابل توجهی، غنای موسیقایی کلامش را افزون‌تر کند. تکرارهایی که در نوشتار نظم و زیبایی می‌آفریند و «ذهن مخاطب را از دو سو منتظر نگه می‌دارد، یکی در سویه نوشتاری و دیداری و دیگر، در سویه گفتاری و شنیداری و وقتی انتظار مخاطب با تکرارهای منظم برآورده می‌شود، ذهن به اقتناع مطلوب خویش می‌رسد و [مخاطب] به نوعی لذت هنری دست می‌یابد.» (خلیلی جهان‌تبع، ۱۳۸۰: ۶۰) برای نمونه، عبارت «یک پنجره» در این قطعه: «ک پنجره برای دیدن / یک پنجره برای شنیدن / یک پنجره که مثل حلقه‌های چاهی / در انتهای خود به قلب زمین می‌رسد.» (فرخ‌زاد، ۱۳۷۷: ۵۹)

۲.۵. تکرار عنوان در آغاز بندها

فرخ‌زاد، عنوان شعر را که گاهی و بیش‌تر جمله است، در هر بند تکرار می‌کند. این نوع تکرار هم از نظر دیداری و هم از نظر موسیقایی بسیار قابل توجه است. در این نوع از تکرارها، عنوان از جمله تشکیل شده است که در ابتدای هر بند تکرار می‌شود و نقش کانونی را در شعر بازی می‌کند. این تکرار مصراع، هر بار شروعی مجدد را رقم می‌زند. همین تکرارهای متمادی، عاطفه را در شعر پایدار می‌کند و به‌گونه‌ای غیرمستقیم خواننده را در آفرینش شعر یا بازآفرینی آن سهیم می‌سازد (متحدین، ۱۳۵۴: ۵۱۷) از این نوع تکرار عنوان، در سروده‌های فرخ‌زاد بسیار دیده می‌شود. برای نمونه، در شعر زیر با عنوان «بر او ببخشایید»، این تکرارهای مکرر دیده می‌شوند: «بر او ببخشایید، بر او که گاه‌گاه، پیوند دردناک وجودش را با آب‌های راکد و حفره‌های خالی از یاد می‌برد، بر او ببخشایید، بر خشم بی‌تفاوت یک تصویر که آرزوی دوردست تحرک، در دیدگان کاغذیش آب می‌شود، بر او ببخشایید، بر او که در سراسر تابوتش، جریان سرخ ماه‌گذر دارد... بر او ببخشایید، بر او که از درون متلاشی است، اما هنوز پوست چشمانش از تصور ذرات نور می‌سوزد. بر او ببخشایید.» (فرخ‌زاد، ۱۳۷۹: ۳۲۰)

۶. بررسی محتوایی عنوان‌ها

۶.۱. عنوان‌های بیان‌گر وضعیت روحی شاعر

گاهی عنوان شعرهای او، تداعی‌کننده روحیه شاعر و وضع روانی او در هنگام سرودن شعر است. «جمعه» (همان: ۳۳۷)، «شکوفه اندوه» (همان: ۲۱۷)، «ظلمت» (همان: ۲۶۱)، «جنون» (همان: ۲۷۷)، «پرنده فقط یک پرنده بود» (همان: ۳۹۹)، «بلور رؤیا» (همان: ۲۵۸)، «تنهایی ماه» (همان: ۳۴۳) و «پنجره» (همان: ۴۴۵)، ناشی از این وضع است.

۶.۲. عنوان سروده‌هایی که با جنسیت فروغ تناسب دارند

هم‌چنین، نام عنوان برخی از سروده‌های او، بیان‌گر جنسیت شاعر است و برخی دیگر بیان‌گر دنیای زنانگی‌اش است. عنوان‌های «گناه» (همان: ۱۱۸)، «عروسک کوکی» (همان: ۳۳۹)، «دختر و بهار» (همان: ۱۵۱) و «حلقه» (همان: ۱۱۷)، چنین حال و هوایی دارند.

۶.۳. ذهنی و عینی بودن عنوان‌ها

شاعرانی که عنوان‌های «عینی و محسوس» بیش‌تری دارند، برون‌گراتر و عینی‌گراتر به نظر می‌رسند؛ به عکس شاعرانی که درون‌گرا باشند، با مفهوم‌ها و نام‌های «ذهنی و انتزاعی»، بیش‌تر سر و کار دارند. فروغ از شاعرانی است که مفهوم ذهنی بیش‌تری را در شمار عنوان سروده‌های خود دارد. عنوان‌های شعر فروغ، بیش‌تر انتزاعی هستند و هر چه به کارهای آخر می‌رسد، این روند سیر صعودی دارد:

۶.۳.۱. در «اسیر»، عنوان‌های انتزاعی بیش‌تری به کار برده؛ یعنی بیست و چهار عنوان انتزاعی و ذهنی در برابر هشت عنوان عینی دیده می‌شود.

۶.۳.۲. در مجموعه «دیوار»، از مجموعه بیست و چهار عنوان شعر، پنج عنوان عینی و نوزده عنوان ذهنی است.

۶.۳.۳. در مجموعه «عصیان»، از دوازده عنوان شعر، چهار عنوان عینی و هشت عنوان ذهنی است.

۶.۳.۴. در مجموعه «تولد دیگر»، از سی و یک عنوان شعر، نه عنوان عینی و بیست و سه عنوان ذهنی است.

۶.۳.۵. در مجموعه «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، از هفت عنوان شعر، یک عنوان عینی و شش عنوان ذهنی است. نمودار زیر روایت‌گر عنوان‌های ذهنی و عینی در شعر فروغ است:

فروغ هم در نام کتاب‌ها و هم در عنوان‌های فرعی، به نام‌های انتزاعی گرایش بیش‌تری دارد. عنوان کتاب‌های او؛ همه انتزاعی هستند. در نام سروده‌ها نیز، بسامد عنوان‌های انتزاعی و ذهنی بسیار بیش‌تر است تا عنوان‌های حسی و عینی. در برخی عنوان‌ها، ترکیبی از ذهنی و عینی را می‌سازد؛ مانند شکوفه‌اندوه (همان: ۲۱۷)، بلور رؤیا (همان: ۲۵۸)، نغمه‌درد (همان: ۶۵) و در نهایت، نتیجه این ترکیب نیز، باز بیان‌گر گرایش او به عنوان‌های انتزاعی است. در دوره نخست شعری خویش، با توجه به رماتنیسم حاکم بر فضای شعرهایش از واژگان ذهنی بیش‌تر استفاده کرده و همین روند را تا پایان دوره شاعری‌اش ادامه داده است. در سه دفتر اول سروده‌ها، عنوان‌های شعری او، عنوان‌های است که بر درد و رنج دلالت دارد؛ مانند: «گریز و درد» (همان: ۱۷)، «اندوه» (همان: ۱۵۳)، «نغمه‌درد» (همان: ۱۸۰)، «اندوه تنهایی» (همان: ۲۰۹)، «شکوفه‌اندوه» (همان: ۲۱۷)، «ستیزه» (همان: ۲۲۶)، «قهر» (همان: ۲۳۱)، «ترس» (همان: ۲۳۸) و... این عنوان‌ها چنان که در آغاز مقاله نیز گزارش کردیم، به جهان بدبینی، ناامیدی و بی‌اعتمادی شاعر بستگی دارد. واژه‌های انتزاعی و ذهنی «درد»، «رنج»، «شب»، «تاریکی»، «تنهایی»، «اندوه» و... از واژه‌های پربسامد در شعر اوست. این که او گفته است: «من اصولاً اندوه را دوست دارم و از رنج لذت می‌برم... خدا چیزی زیباتر از غم نیافریده و مستی و لذتی که در غم نهفته است به تمام شادی‌های جهان می‌ارزد و راست است که من اکنون خود را به سبب داشتن غم فراوان موجود خوش‌بختی می‌دانم.» (فرخ‌زاد، ۱۳۷۸: ۳۶۸)، بیان‌گر تناسب اندام‌وار عنوان‌های شعر و اندیشه‌ها و احساسات راستین شاعر است.

۶.۴. بررسی موضوعی عنوان‌ها

عنوان‌های شعری فروغ فرخ‌زاد را می‌توان، به شش دسته تقسیم کرد: ۱. عنوان‌های فردی و رماتنیک، ۲. عنوان‌های سیاسی و اجتماعی، ۳. عنوان‌های برگرفته شده از طبیعت پیرامون، ۴. عنوان‌های مربوط به زمان و مکان، ۵. عنوان‌های حماسی و اسطوره‌ای.

۶. ۴. ۱. عنوان‌های فردی و رمانتیک

عنوان‌های فردی و رمانتیک، بیش‌تر مربوط به زندگی خصوصی شاعر است. فروغ در مجموع؛ عنوان‌ها و به‌تبع آن سروده‌های زیادی را به زندگی خصوصی خود اختصاص داده است. او به ویژه در سه دفتر اولش یعنی «اسیر»، «دیوار»، «عصیان»، بیش‌تر به خود و زندگی خود پرداخته است. به ویژه عنوان‌های رمانتیک زیادی دارد که مربوط به ابتدای شاعری او می‌شود. عنوان‌هایی مانند: «دوست داشتن.» (همان: ۶۹)، «دیدار تلخ.» (همان: ۱۰۰)، «از یاد رفته.» (همان: ۱۰۸)، «چشم‌به‌راه.» (همان: ۱۱۲)، «راز من.» (همان: ۱۳۲)، «اندوه‌پرست.» (همان: ۱۸۷)، «سپیدهٔ عشق.» (همان: ۱۶۹)، «اندوه تنهایی.» (همان: ۲۰۹)، «شکوفهٔ اندوه.» (همان: ۲۱۷)، «وصل.» (همان: ۳۲۷)، «عاشقانه.» (همان: ۳۳۰)، «معشوق من.» (همان: ۳۴۵)، «من از تو می‌مردم.» (همان: ۴۱۲) و «بعد از تو.» (همان: ۴۶)

۶. ۴. ۲. عنوان‌های سیاسی و اجتماعی

بعد از عنوان‌های فردی و رمانتیک، عنوان‌های سیاسی و اجتماعی شعرهای فروغ در مرتبهٔ دوم است؛ مانند: «دیو شب.» (همان: ۹۰)، «عصیان.» (همان: ۹۳)، «صبر سنگ.» (همان: ۱۵۵)، «نغمهٔ درد.» (همان: ۱۸۰)، «گریز و درد.» (همان: ۱۷)، «دیوار.» (همان: ۲۲۲)، «ستیزه.» (همان: ۲۲۶)، «آفتاب می‌شود.» (همان: ۲۹۸)، «ای مرز پرگهر.» (همان: ۴۰۰)، «به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد.» (همان: ۴۰۰)، «پنجره.» (همان: ۴۴۴)، «دلم برای باغچه می‌سوزد.» (همان: ۴۴۹)، «کسی که مثل هیچ کس نیست.» (همان: ۴۵۶)، «تنها صداست که می‌ماند.» (همان: ۴۶۳)

۶. ۴. ۳. عنوان‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند

عناصر طبیعی در عنوان‌های شعری فروغ بسامد بالایی ندارند و شاعر خیلی از طبیعت پیرامون خود در عنوان‌های شعری‌اش استفاده نکرده است. ترکیب‌هایی مانند «صبر سنگ.» (همان: ۱۵۵)، «پاییز.» (همان: ۱۷۸)، «در آب‌های سبز تابستان.» (همان: ۳۱۲)، «تنهایی ماه.» (همان: ۳۴۳) و «مرداب.» (همان: ۳۵۷)، نادر و کم‌یابند.

۶. ۴. ۴. عنوان‌های مربوط به زمان و مکان

این دو مورد، در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. «قصه‌ای در شب.» (همان: ۲۱۲) «بعدها.» (همان: ۲۱۰)، «آن روزها.» (همان: ۲۱۹)، «گذران.» (همان: ۲۹۵)، «جمعه.» (همان: ۳۳۷)، «دیدار در شب.» (همان: ۳۶۹)، «بعد از تو.» (همان: ۴۴۴)

۶. ۴. ۵. عنوان‌های حماسی و اسطوره‌ای

فروغ برخلاف برخی از شاعران معاصر خویش، از جمله اخوان، شاملو، سهراب و دیگران، از عنوان‌های اسطوره‌ای و حماسی، کم‌تر استفاده کرده است. یکی از سبب‌های نبودن عنوان‌های اسطوره‌ای و حماسی در شعر او، به زمینه‌فکر و عاطفی شاعر بازمی‌گردد. در میان دفترهای او، عنوان‌هایی هم‌چون: «سپیده‌عشق.» (همان: ۱۶۹)، «آن روزها.» (همان: ۲۱۹)، «آیه‌های زمینی.» (همان: ۳۶۱)، «تولد دیگ.» (همان: ۴۱۵)، «ای مرز پرگهر.» (همان: ۴۰۱)، «کسی که مثل هیچ کس نیست.» (همان: ۴۵۶) بسامد موضوع‌های یادشده در این نمودار نموده شده است:

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۷. ۱. عنوان‌های رمانتیک و فردی

چنان‌که پیش‌تر نیز به اشاره گذشتیم، بسیاری از عنوان‌های شعری فروغ، به ویژه در دفترهای آغازین، به عنوان‌های رمانتیک و خصوصی او اختصاص یافته است. با توجه به این امر مسلم که شعر فروغ در کل حال و هوای رمانتیک دارد (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۹)، بودن عنوان‌های عاطفی و عاشقانه، در سر سروده‌هایش، امری غریب نیست. او به ویژه در سه دفتر «اسیر»، «دیوار»، «عصیان»، بسیار به خود و دنیایش می‌پردازد. در این سه دفتر، صدای ملال، بی‌زاری، دل‌زدگی و آه و افغانی رمانتیک به گوش می‌رسد. بخشی از این زنجموره ابتذال، حاصل تأثیرات محیط و شعرهای دهه بیست تا چهل شعر فارسی است. با این حال، چنان‌که پیش‌تر هم یادآوری کردیم، فروغ در دفترهای دیگرش توانست از این ابتذال رمانتیکی‌رهایی یابد. رمانتیسیم فروغ، اگرچه رمانتیسمی غمگینانه و حزن‌انگیز بود و از جهت ابتذال، قابل مقایسه با رمانتیسیم برخی از شاعران آن روزگار نبود؛ با این حال، نکبتی بود که خود او در ترک و فرار از آن، پیش‌رو شاعران دیگر شد. در ابتدای شاعری، دایره‌واژگان فروغ در عنوان‌ها به واژه‌های معهود سنت ادبی و رمانتیک‌های آن دوره محدود می‌شود. در عنوان‌های شعری او این مطلب، به ویژه در سه دفتر اولش، به چشم

می‌خورد. عنوان‌هایی مانند: «گریز و درد.» (فرخ‌زاد، ۱۳۷۷: ۱۷)، «آندوه.» (همان: ۱۵۳)، «نغمه درد.» (همان: ۱۸۰)، «آندوه پرست.» (همان: ۱۸۷)، «قربانی.» (همان: ۱۸۸)، «آندوه تنهایی.» (همان: ۲۰۹)، «پوچ.» (همان: ۲۵۱)، «ظلمت.» (همان: ۲۶۱) و... عنوان‌های برجسته اوست. شعرهای او در نخستین مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصبان، بن‌مایه‌ای عاشقانه دارد و آن‌گاه که حاصل این عشق، ناکامی است و به شکست منجر می‌گردد، نیروهای اثرگذار شکست، چنان که در دیدگاه و عاطفه شعری او اثر می‌گذارد، این تحول در واژگان شعری و عنوان‌های او نیز به خوبی قابل مشاهده است. او در سه دفتر یادشده، بیش‌تر به عشق مجازی و زمینی پرداخته است. عشقی که بوی نافرجامی از یک‌یک واژگان شعری‌اش به مشام می‌رسد. هر چه از «اسیر»، «دیوار» و «عصبان» به جهان تولدی دیگر گام نزدیک شویم، شعر فروغ عمق و بعد تازه خود را می‌یابد و از حال و هوای فردی و رماتیسم مبتدل یا نیمه‌مبتدل و خصوصی به سمت حال و هوای واقعی و اجتماعی (رنالیستی)، جمعی و انسانی پیش می‌رود. عنوان‌هایی که در دفترهای یادشده، به خود و جهان مخصوصش منحصر می‌شد و فاعل یا ضمیرها و قیدهای آن‌ها به اول شخص مفرد اختصاص داشت؛ مانند: «راز من.» (همان: ۱۳۲) و «معشوق من.» (همان: ۳۴۵)، به عنوان‌هایی که در آن‌ها فاعل یا ضمیرها و قیدها و موصوف‌ها به اول شخص جمع بدل می‌شود، تغییر می‌یابد؛ مانند: «باد ما را خواهد برد.» (همان: ۳۰۷)، «بر او بیخشايد.» (همان: ۳۲۰) و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد.» (همان: ۲۱) جهانی که شاعر از پوسته من فردی گذر کرده، به جهان «من انسانی» رسیده است. او در این مرحله، از احساسات در هم کوبیده‌شده انسانی حرف می‌زند که در دل غوغایی عظیم ایجاد می‌کند. «کی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۴۰) در «تولدی دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، شاعر پوست می‌اندازد و با گذر از شور رمانتیک و بهره‌گیری از تجربه شاعران بزرگ، چهره یک شاعر با معیارهای جهانی به خود می‌گیرد با اندیشه‌ای یک‌سره انسانی و پویا که جهانی می‌اندیشد (صادقی شهیر و مشتاق مهر، ۱۳۹۰: ۹۰)

۲.۷. عنوان‌های اجتماعی

همان‌طور که در نمودار پیشین دیده می‌شود، این عنوان‌ها در مرتبه دوم شعرهای او هستند. اغلب شاعرانی که معاصر فروغ بودند، از رخ‌دادهای سیاسی روز به دور نبودند.

وجه اشتراک نیما، شاملو، اخوان ثالث، منوچهر آتشی، شفیعی کدکنی و برخی شاعران دیگر با فروغ فرخزاد در ایجاد و آفرینش عنوان‌های سیاسی در این دوره بود. دوره‌ای که تحت تأثیر شعر جهانی، اندیشیدن به انسان و ضروراتش بن‌مایه برجسته ادبی گردید: «انسان‌گرایی و پرداختن به مفاهیم و دغدغه‌های عمیق و ریشه‌دار انسان (اگزیستانسیالیسم)، از جمله درون مایه‌های رایج شعر معاصر است که توسط شاعران و متفکران معاصر بومی شد.» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۳۷۳) فروغ نیز از مسائل سیاسی و به ویژه اجتماعی زمان خود به دور نبود. او به خاطر زن بودنش، به دردها و مشکلات زنان پرداخت. مبارزه با جامعه مردسالاری و دفاع از حقوق پامال شده زنان، از جمله برخی مضمون‌های شعر فروغ را تشکیل می‌دهد. در این خصوص چنان که دیگران نیز گفته‌اند، فروغ قافله‌سار روشن‌گری و ایستادن محکم در پشت سنگرهای دفاع از حقوق زنان است. او «به تنهایی، زبان گویای زن صامت ایرانی در طول قرن‌هاست... انفجار عقده دردناک و به تنگ آمده سکوت زن ایرانی است.» (براهنی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۰۶۲) در عین حال او هیچ‌گاه از پرداختن به مسائل انسانی که فراتر از دفاع از حقوق زنان بود، غافل نبود. فروغ به مردم عشق زیادی داشت، در جذام‌خانه تبریز که سرنوشت انسان‌های جذامی را به تصویر کشیده گفته: «من می‌نشستم سر سفره‌شان، دست به زخم‌هاشان می‌زدم. دست به پاهایشان می‌زدم که جذام انگشتان آن را خورده بود (فرخزاد، ۱۳۷۸: ۴۶۰) در دوره دوم شاعری، او بیشتر به سمت مسائل اجتماعی و سیاسی عصرش پیش رفت. در این دو دفتر؛ او یکی از سیاسی‌ترین و اجتماعی‌ترین شاعران معاصر است و از اصلی‌ترین مضامینی که در اشعار فروغ، به ویژه در دو مجموعه «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» نمایان است؛ مضامین اجتماعی است که می‌توان گفت؛ مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه فکری او بوده است. بعد رئالیسم اجتماعی فروغ چنان قوی است که هم زیبایی‌ها و زشتی‌ها را می‌بیند و به بیان ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد. در شعر فروغ، به ویژه در آخرین اثرش، تعهد اجتماعی و نگرش متعهدانه به انسان بیش‌تر دیده می‌شود. او در این دفتر «شدیداً عاطفی و اجتماعی است.» (حریری، ۱۳۳۶: ۴۲) و مسائل اجتماعی را خوب و با حساسیت شدید دیده است. عنوان‌هایی چون: «دل‌م برای باغچه می‌سوزد»، «ای مرز پرگهر»، «پنجره.» (همان: ۵۹)، «کسی که مثل هیچ‌کس نیست.» (همان: ۷۹)، «تنها صداست

که می‌ماند.» (همان: ۱۹) ... همان طور که از نامشان پیداست؛ این مسائل را به خوبی نشان می‌دهد.

۳.۷. عنوان‌های حماسی و اسطوره‌ای

چنان که پیش‌تر هم گوش‌زد کردیم، این گونه عنوان‌ها در کل دفترهای فروغ، بسامد بالایی ندارند. فروغ کم‌تر به مسائل تاریخی و اسطوره‌ای یا حماسی پرداخته است. چنان که یادآوری کردیم، حال و هوای او در سه کتاب اولش، بیش‌تر رمانتیک است و عنوان‌های شعری او هم به تبع آن رمانتیک می‌شود. شعر «سپیده عشق»؛ اگرچه زبانی پرشور و حماسی دارد، یکی از عنوان‌های اوست (همان: ۱۹۶) که نمی‌توان آن را از عنوان‌های غنایی و رمانتیک دور دانست. برخی دیگر از عنوان‌های حماسی او؛ با این‌که طمطراق حماسی دارد، تمسخر و طنزی که در متن همراه آن می‌شود، باز آن را از محتوای حماسی، تهی می‌کند. عنوان «ای مرز پرگهر» که پیش‌تر از آن یاد کردیم، چنین وضعی دارد.

۴.۷. عنوان‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند

این عنوان‌ها نیز در دیوان فروغ، بسامد زیادی ندارند. شاعران معاصر فروغ از طبیعت و مظاهر آن، برای رویه‌های نمادین، استفاده می‌کردند. آغازگر این کار نیما و بعد از او اخوان، شاملو و... بودند. فروغ بسیار کم به رمز و مسائل رمزی علاقه نشان داده است. شاعران رمزگرا از طبیعت بیش‌تر به عنوان نماد و سیمبل استفاده می‌کردند. فروغ جز در پاره‌ای از آخرین سروده‌هایش، از رمز و نماد چنان‌که بایست روزگار او بود، بهره نگرفت؛ با این حال از این دست عنوان‌ها، باز در دفترهای او دیده می‌شود: «پاییز» (همان: ۱۷۸)، «در آب‌های سبز تابستان» (همان: ۳۱۲)، «تنهایی ماه» (همان: ۳۴۳) و «مرداب» (همان: ۳۵۷)

۵.۷. عنوان‌های مربوط به زمان و مکان

فروغ، به زمان توجه دارد. عنصر زمان در شعر او، برجسته است و از موضوعات محوری شعرش به شمار می‌آید. از میان شعر شاعران برجسته معاصر، شاید کم‌تر سروده‌ای یافت شود که گذر زمان، درنگ آن و اهمیتش به پای شعر فروغ برسد زمان برای فروغ، زنده و جاری است. گاهی از گذر عمر که منجر به پیری و در نهایت تنهایی گردد، شکوه

می‌کند. بسامد واژه‌های لحظه و زمان در شعر او بسیار است. به همین سبب است که شمس لنگرودی می‌نویسد: «او که در جست و جوی راز زمان است و زبان لحظه‌ها را هم دریافته، می‌فهمد که نه فقط او، بلکه کل آدمیان چون مجسمه سیمانی در برابر سرمای ناگزیر در راه ناتوان‌اند و قادر به عملی نیستند...» (۱۳۷۷، ج ۳: ۲۰۰) زمان در شعر فروغ، مرثیه‌ای است بر عمر از دست رفته و جست و جوی خوش‌بختی در دوران طفولیت. او در سروده‌هایی مانند «آن روزها»، به دنبال کودکی خود می‌گردد که زمانی خوش‌بخت زندگی می‌کرده است و اغلب از زمانی که در آن زندگی می‌کند، ناراضی است. عنوان‌هایی که مربوط به زمان هستند؛ در دو دفتر پایانی او، به ویژه در «تولد دیگر» بیش‌تر است. عنوان‌هایی مانند: «آن روزها»، «جمعه» و...؛ اما عنوان‌های مربوط به مکان، در شعر فروغ بسامد بالایی ندارد. این عنوان‌ها کم‌ترین بسامد را در عنوان‌های فروغ دارند. هرچند که محیط زندگی شاعر و شهرنشینی او، با همه جزئیات در شعرش توصیف شده؛ با این حال فروغ نام مکان‌های خاصی را عنوان سروده‌های خود قرار نداده است. گویا تهران، شهر محل سکونت فروغ و مکان‌های دیگر کم‌تر برای فروغ اهمیت داشته است.

نتیجه‌گیری

سیر زندگی فروغ، محتوا، پیام و عاطفه غالب شعر او را می‌توان در عنوان کتاب‌هایش بررسی کرد. فروغ از جمله شاعرانی است که صادقانه، در سروده‌هایش زیسته و با لحظه‌های شعر خود، به گونه‌ای طبیعی و دور از تصنع حضور دارد؛ به همین سبب سیر سلوک شاعرانه او را می‌توان در روند تکاملی شعرش، از آغاز تا انجام، مطالعه کرد. تجربه‌های درونی و بیرونی، ذهنی و عینی فروغ، همان‌گونه که از اجزای سخنانش مشهود است، در عنوان‌های کتاب‌ها و عنوان‌های فرعی سروده‌هایش نیز اثری ژرف از خود به جای گذاشته است. روایت زندگی او را چنان که می‌توان از محتوای شعرش فهمید، از عنوان‌های شعری او نیز همین امر به سادگی دست‌یافتنی است. نخست این که عنوان‌های سروده‌های فروغ بیش‌تر انتزاعی هستند تا عینی. از نظر زمان و ترتیب سرودن نیز، حضور عنوان‌های رمانتیک، فردی، اجتماعی و سیاسی، ضمن ترتیب زمانی، از بسامد بالایی برخوردارند؛ اما عنوان‌های حماسی و اسطوره‌ای، عنوان‌های برگرفته از طبیعت و عنوان‌هایی که به زمان و مکان مربوط می‌شوند؛ در عنوان‌های شعری او چندان زیاد

نیستند. با توجه به محتوای سروده‌ها و عنوان‌هایی که برای شعرهای خویش برگزیده، در سه دفتر «اسیر»، «دیوار» و «عصیان»؛ او بیش‌تر به خود و دنیای خود پرداخته؛ اما در دو دفتر آخرش، «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، به جامعه و مسائل اجتماعی گرایش بش‌تری نشان داده است. دست‌آورد این گزارش، رسیدن به فرضیه اصلی این مقاله است که همان تطابق راستین و هنجار متناسبی است که میان محتوا، شکل و عنوان‌های شعر فروغ دیده می‌شود.

منابع

الف) کتاب‌ها

- - آوری، پیتز (۱۳۷۶): تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، جلد دوم، تهران: انتشارات عطایی.
- - اسماعیلی، امیر، صدارت، ابوالقاسم (۱۳۷۶): جاودانه فروغ فرخ‌زاد، تهران: مرجان.
- - براهنی، رضا (۱۳۶۳): تاریخ مذکر، تهران: اول.
- - براهنی، رضا (۱۳۷۱): طلا در مس، (سه جلدی)، ج ۲، چاپ اول، تهران: ناشر نویسنده.
- - جلالی، بهروز (۱۳۷۲): جاودانه زیستن، در اوج ماندن، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید.
- - جلالی، بهروز (۱۳۸۰): در کوچه باد می‌آید (ویژه فروغ فرخ‌زاد)، تهران: نشر روزگار.
- - حریری، ناصر (۱۳۶۸): هنر و ادبیات امروز (گفت و شنودی با مهدی اخوان ثالث)، چاپ اول، تهران: کتاب‌سرای بابل.
- - حقوقی، محمد (۱۳۸۴): شعر زمان ما، تهران: نگاه.
- - حقوقی، محمد (۱۳۸۰): فروغ فرخ‌زاد، شعر فروغ فرخ‌زاد از آغاز تا امروز، شعرهای برگزیده، تفسیر و تحلیل موفق‌ترین شعرها، تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- - حلیفی، شعیب (۲۰۰۵): هویت‌العلامات فی العتبات و بناء التأویل، ط ۱، سوریا: دارالتقافة الدار البيضاء.
- - حسن بیگی، محمدرضا (۱۳۸۱): پری کوچک غمگین (زندگی و شعر فروغ فرخ‌زاد)، تهران: انتشارات کوشش.
- - خلیلی جهان تیغ، مریم (۱۳۸۲): سیب باغ جان، تهران: سخن.
- - دست‌غیب، عبدالعلی (۱۳۴۵): تحلیلی از شعر نو فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات صائب.
- - زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۴): تحلیلی از شعر نو فارسی، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
- - شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰): با چراغ و آیین، در جست و جوی ریشه‌های تحول در شعر معاصر، تهران: سخن.
- - شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶): زمینه اجتماعی شعر فارسی، چاپ اول: نشر زمانه و اختران.
- - شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰): ادوار شعر فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- - شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵): موسیقی شعر، آگاه: تهران.
- - شمیسا، سیروس (۱۳۷۳): نگاه تازه به بدیع، چاپ ششم، تهران: انتشارات فردوس.
- - شمیسا، سیروس (۱۳۸۳): راهنمای ادبیات معاصر (شرح و تحلیل گزیده شعر فارسی)، تهران: میترا.
- - شمیسا، سیروس (۱۳۷۶): نگاهی به فروغ فرخ‌زاد، تهران: مروارید.
- - علوش، سعید (۱۹۸۵): معجم مصطلحات الأدبیه المعاصره، ط ۱، بیروت: دارالکتب اللبنان.
- - علی‌پور، مصطفی (۱۳۷۸): ساختار زبان‌شناسی امروز، تهران: انتشارات فردوس.
- - قزوینی، خطیب (۱۹۸۹): الايضاح فی علوم البلاغه، شرح محمد عبدالمنجم خفاجی، بیروت - لبنان: الشركة العالمه للكتاب.
- - فخری عماره، اخلاص (۱۹۹۲): الشاعر و هموم الانسان المعاصر، قاهره: مکتبه الآداب.
- - فرخ‌زاد، فروغ (۱۳۷۹): دیوان اشعار، با مقدمه بهروز جلالی، تهران: مروارید.
- - فرخ‌زاد، فروغ (۱۳۷۷): ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، چاپ دوازدهم، تهران: مروارید.

- - فرخ‌زاد، فروغ (۱۳۷۸): فروغ جاودانه، مجموعه شعرها و نوشته‌ها و گفت و گوهای فروغ فرخ‌زاد، به کوشش عبدالرضا جعفری، تهران: نشر تنویر.
- - عویس، محمد (۱۹۸۸): العنوان فی الأدب النشأه و التطور، ط ۱، القاهرة: مكتبة الانجلو مصریه.
- - کی‌نژاد، افسانه (۱۳۸۲): فریاد در مه، تهران: نشر آفرینش
- - یوسفی، شهره (۱۳۸۳): سخن از زندگی نقره‌ای آوازی است، تهران: آفرینش.

ب) مقاله‌ها

- - بابا چاهی، علی (۱۳۶۷): «جریان‌های شعری از دههٔ چهل تا امروز»، ماه‌نامهٔ آدینه، تیر ماه، ش ۲۵.
- - حسن پورآلشتی، حسین، دلاور، پروانه (۱۳۷۸): «عناصر سبک‌ساز در موسیقی شعر فروغ فرخ‌زاد»، مجلهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۶، بهار و تابستان ۸۷، برگ‌های ۲۷ - ۵۳.
- - صادقی شهیر، رضا، مشتاق مهر، رحمان (۱۳۹۰): «مرگ‌اندیشی و زوال، مهم‌ترین بن‌مایه (موتیف) در شعر فروغ فرخ‌زاد و نموده‌های آن»، فصل‌نامهٔ اندیشه‌های ادبی، سال دوم، شماره ۷، صص ۸۹ - ۱۱۹.
- - متحدین، ژاله (۱۳۵۴): «تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن»، جستارهای ادبی، پاییز، شماره ۴۳ (۴۸ - از صص ۴۸۳ تا ۵۳۰)